



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۷/۰۳

نویسنده: ن . جلیل زاد

افغانستان را با وحدت می سازیم وطن را با عشق می سازیم، نه با شعار

آنگاه که دست در دست هم بگذاریم، هیچ طوفانی ما را نمی شکند
وطن را با عشق می سازیم، نه با شعار.
هر دستی که بسازد، سرباز این خاک است.
ما فرزندان کوه های سربلندیم
این خاک ما را زاییده ، ما این خاک را نجات می دهیم.
این خاک، ارزش ایستادن دارد
هر قدمی که با عشق برداری، وطن را یک گام به رفاه و آزادی نزدیک می کنی.
نسلی که دیگر سکوت نمی کند
بیداری جوانان، آغاز رستاخیز افغانستان است.
به وطنت برگرد ، حتی اگر دور باشی
عشق به خاک، مرز نمی شناسد ، دل هر افغان، افغانستان است.
از خاکستر برمیخیزیم
افغانستان نمرده ، فقط منتظر بیداری ماست.
افغانستان ، مادری که هنوز چشمپراه ماست.
وقتی تو بایستی، وطن دوباره نفس می کشد.
افغانستان خانه ای که باید دوباره ساخت.
آغاز
این خاک هنوز نفس می کشد
افغانستان نمرده است.
زخمی است، خسته است، داغدار است ، اما نمرده است.
و تا یک مادر در این خاک هنوز برای فرزندش آرزو دارد، تا یک جوان در این سرزمین هنوز کتاب می گشاید، تا یک دهقان در این دهات هنوز تخم به زمین می سپارد ، این خاک زنده است .
این ملت زنده است .
و این امید، بزرگ ترین سرمایه ای است که هیچ جنگی نتوانسته از ما بگیرد.
اما زنده بودن کافی نیست .
باید ایستاد .
باید ساخت .
باید دوباره باور کرد.
بازسازی از درون
هر بنایی پیش از آنکه دیوار بخواهد، پایه می خواهد .
و پایه هر ملتی، اعتماد است .

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالېږلو مخکې په ځير و لولئ

افغانستان پیش از هر چیز به بازسازی اعتماد ملی و تفاهم ملی نیاز دارد ، اعتمادی که پنجاه سال جنگ، خیانت و معامله آن را از ریشه سوزانده است .

مردم باید دوباره باور کنند که این خاک ارزش ایستادن دارد .

باید باور کنند که فداکاری بی نتیجه نیست .

باور کنند که فردا می تواند از امروز بهتر باشد.

این اعتماد، بدون عدالت ممکن نیست .

عدالتی که کور باشد ، نه در برابر قدرتمند چشم ببندد و نه بر ضعیف سخت گیری کند .

احیای عدالت مستقل یعنی قانونی که برای وزیر و دهقان یکسان باشد .

یعنی محکمه ای که صدای بی صدایان را بشنود .

یعنی نظامی که در آن، حق از زور قویتر باشد. بدون این ستون، هیچ خانه ای پایدار نمی ماند.

و پایه ای ترین پایه، آموزش است .

نسلی که نخواند، فریب می خورد .

نسلی که نداند، به بردگی می رود .

آموزش باکیفیت و همگانی ، از دختر دهکده دورافتاده تا پسر کوچه های شهر حق مسلم هر فرزند این خاک است .

مکتبی که در آن معلم با عشق درس بدهد، کتابی که در آن حقیقت نوشته شده باشد، فضایی که در آن ذهن جوان آزادانه رشد کند ، این است بنیاد افغانستان فردا.

مرهم بر زخم های کهنه

پنجاه سال جنگ، فقط خانه ها را ویران نکرده ، روح ها را هم زخمی کرده است .

کودکی که در زیر بمب بزرگ شده، جوانی که جز تفنگ چیزی ندیده، مادری که هر روز عزا داشته ، این ها زخم هایی نیستند که با گذشت زمان خود به خود خوب شوند .

درمان زخم های روانی جنگ یک ضرورت ملی است، نه یک لطف .

ملتی که درد خود را درمان نکند، همان درد را به نسل بعدی منتقل می کند.

اما مرهم روح، تنها در آرامش رشد می کند ، و آرامش، بدون امنیت انسانی ممکن نیست. امنیت فقط نبود جنگ نیست .

امنیت یعنی مادری که شب با خیال آسوده بخوابد .

یعنی کودکی که بدون ترس به مکتب برود .

یعنی پیرمردی که در کوچه اش با کرامت راه برود .

زندگی با کرامت ، این است معنای واقعی امنیت.

و کرامت، بدون نان حلال ناقص است .

اقتصاد مردمی و شفاف یعنی اینکه نان مردم از کار و تولید بیاید، نه از فساد و رشوه و زور. دهقان باید بداند که محصولش بازار دارد. کارگر باید بداند که حقش پایمال نمی شود. جوان باید بداند که با تلاش می تواند زندگی بسازد .

مبارزه جدی با فساد شرط اول این اقتصاد است ، چون هیچ وطن سوخته ای بدون پاکی اداره، دوباره نمی روید.

با هم، نه علیه هم

افغانستان یک خانه است ، خانه مشترک پشتون و تاجیک، هزاره و ازبک، ترکمن و بلوچ. همه فرزندان یک مادر .

همه شریک یک درد و شریک یک آینده .

احیای هویت مشترک ملی یعنی اینکه تفاوت های ما زیبایی ما باشند، نه اسلحه دشمنان ما. تقویت وحدت اقوام نه به معنای نادیده گرفتن تفاوت هاست، بلکه به معنای برتر دانستن آنچه مشترک داریم ، این خاک، این تاریخ، این آینده.

اما وحدت، بدون گفت‌وگو ساخته نمی‌شود. احیای فرهنگ گفت‌وگو یعنی اینکه اختلاف‌ها را بر سر میز حل کنیم، نه در میدان جنگ .

یعنی اینکه بشنویم، نه فقط بگوییم .

یعنی اینکه برادر را حتی در اشتباهش دشمن نپنداریم .

و تقویت همدیگرپذیری یعنی اینکه بپذیریم هیچ ملتی با نفرت آباد نشده ، افغانستان هم با احترام زنده می‌شود، نه با کینه.

در این راه، رسانه‌های آزاد و مسئول چراغ هستند .

حقیقت باید روشن باشد تا مردم گمراه نشوند. روزنامه‌نگاری که با شجاعت حقیقت را بنویسد، صدایی که بدون ترس بلند شود، اطلاعاتی که خدمت مردم باشد نه ابزار قدرت ، اینها ستون‌های یک جامعه بیدار و آگاهند.

بنای آینده

آینده روی دو ستون می‌ایستد: زنان و جوانان. زنی که تحصیل کند، خانواده‌ای روشن می‌سازد .

جوانی که بیدار باشد، نسلی توانمند می‌پروراند. حمایت از زنان و جوانان سرمایه‌گذاری در آینده است، نه لطف ، چون بدون نیمی از جامعه، هیچ بنایی کامل نمی‌شود.

این آینده به زیرساخت‌ها هم نیاز دارد .

راهی که قریه و دهکده را به شهر وصل کند. برقی که شب را روشن کند .

آبی که کشتزار را سیراب کند .

شفاخانه‌ای که مریض را نجات دهد .

بازسازی زیرساخت‌ها پایه‌های آرامش و امید است ، چون مردمی که راه داشته باشند، رفت و آمد دارند، مردمی که برق داشته باشند، می‌خوانند، مردمی که آب داشته باشند، می‌کارند.

و فراموش نکنیم که افغانستان از دهات نفس میکشد .

اقتصاد روستاها، خون جاری در رگ‌های این سرزمین است .

تقویت اقتصاد روستاها یعنی اینکه دهقان بتواند با عزت زندگی کند .

یعنی اینکه مهاجرت از ده به شهر از روی اجبار نباشد .

یعنی اینکه قریه و دهکده‌ها مرگ نکنند.

روح این ملت را هنر و ادبیات زنده می‌کند. شعری که قلب را لرزاند، موسیقی‌ای که زخم را مرهم بگذارد، داستانی که آینه باشد ، حمایت از هنر و ادبیات یعنی اینکه این روح زخمی را با زیبایی درمان کنیم.

پایان واپسین سخن

امید، بزرگ‌ترین سلاح

و در پایان همه این سخن‌ها، یک چیز است که همه چیز را ممکن می‌کند: امید. امید ملی، بزرگ‌ترین سرمایه یک ملت است. بدون امید، هیچ بازسازی ممکن نیست . بدون امید، هیچ جوانی نمی‌ایستد .

بدون امید، هیچ مادری فرزندش را برای فردا بزرگ نمی‌کند.

پس امید را زنده نگه داریم .

نه امید کور، نه امید ساده لوحانه ، بلکه امیدی که با چشم باز می‌بیند، با دست پُر می‌سازد، و با قدم محکم می‌ایستد.

افغانستان را فقط خود افغان‌ها می‌توانند نجات دهند. و این نجات، از همین لحظه آغاز می‌شود ، از همین تصمیم،

از همین عشق،

از همین ایستادن.

برای افغانستان ، برای مردم ، برای فردایی که باید ساخت بخوان، بیندیش، بایست، بساز

این خاک، خانه مشترک همه ماست.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد

د پانوی شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یا دونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ